

در جلسه

ارتباط با ارواح

چه دیدم

* نامه‌هایی که بدفتر مجله رسیده نشان میدهد بحث‌هایی که درباره مجال بودن تناسخ و انتقال ارواح به بدنهای دیگر که در چند شماره گذشته تعقیب گردید بقدر کافی قانع کننده و مستدل بوده و بسیاری را از اشتباه در آورده است.

* اما در مورد «ارتباط با ارواح» بحثی را که از شماره گذشته آغاز نمودیم هنوز ادامه دارد و لزوماً یادآور میشود از قضاوت نهایی در این مورد پیش از اتمام این سلسله مقالات خودداری فرمائید.

پژوهشگاه علوم و معارف فقهی * * *

از شما چه پنهان در تابستان همین امسال چند روزی در یکی از شهرستانهای استان خراسان (سبزوار) دعوت داشتم، شهری است تمیز بامردمی دوست داشتنی و با ایمان.

قبلاً از دوستان در مشهد شنیده بودم که این شهر یکی از پایگاههای مسئله میزگرد، و «ارتباط با ارواح» است، و این موضوع در سالهای اخیر در آنجا رونق فراوانی پیدا کرده و با اصطلاح «مد» شده است.

فعالیت طرفداران «ارتباط با ارواح» و جلسات میزگرد، قسمت قابل توجهی از وقت عده‌ای از اهالی را اشغال نموده است. برای جمعی وسیله سرگرمی، و برای عده‌ای وسیله اطمینان به وجود عالم‌ها و ادای حس شده است.

من هم علاقه داشتم از فرصت استفاده نموده و از نزدیک وضع این جلسات را ببینم تا بتوانم با بصیرت بیشتری بحثی را که در این زمینه آغاز نموده ام دنبال کنم ، و خوانندگان این مقالات را در جریان واقعیات مسئله بگذارم .

اعتراف میکنم که حضور در این جلسات برای افراد عادی شاید صحیح نباشد اما برای کسانی که موظف به تحقیق و یا ارشاد دیگران هستند گاهی اوقات جنبه لزوم بخود میگیرد . من سعی دارم آنچه را با چشم خود با کنج کاوی و دقت دیدم عیناً برای شما نقل کنم و قضاوت را بخود شما واگذار کنم .

قبلاً لازم است آنچه را از مجموعه ، گفتگوها با افراد مورد اطمینان بدست آوردم در اینجا بیاورم و سپس مشاهدات خود را شرح دهم .

آنچه از گفتگوهای بسیار با افراد سرشناس و کسانی که با این جلسات ارتباط داشتند بدست آمدا از این قرار است :

۱ - مسئله ارتباط با ارواح (البته بوسیله میز گرد) یکی دو سال است در این شهر کاملاً رایج شده ، حتی بگفته ظریفی رونقی ببازار نجارها برای ساختن میز گرد داده است !

۲ - چگونگی ارتباط آنها با ارواح چنین است که دوریک میز چوبی که اصلاً میخ در آن بکار نرفته و صفحه روی آن مدور و آزاد است و بر گردیک میله چوبی که در وسط آن قرار داده می - گردد ، می نشینند و یک یا چند نفر کف دستها را روی صفحه مدور می گذارند و حمد و سوره ای میخوانند (آنها معتقدند خواندن حمد و سوره خوب است نه لازم) و سپس افکار خود را متمرکز ساخته و بدون مقدمه دیگری با یک روح تماس پیدای نمایند . علامت تماس با روح این است که صفحه میز خود بخود بیک طرف می گردد (البته کف دستها همچنان روی میز هست) .

سپس از روح سؤالاتی میکنند و پیامها و جوابهای دریافت میدارند باین ترتیب که **مدیوم** (کسی که وسیله ارتباط است) الفبا را از اول می شمارد در هر حرفی میز بحرکت آمد آنرا یادداشت می کنند ، و سپس از مجموع این حروف جمله هائی بدست می آید که متضمن « پیامها » و « جوابهای » ارواح است - گاهی در وسط ، رابطه قطع میشود و گاهی ارواح دیگری در این میان می دوند و مطالب را بهم میزنند .

۳ - بیشتر اداره کنندگان اصلی این جلسات معتقدند که نه گرد بودن میز شرط است ، و نه

میخنداشتن ، در همان جلسه ای که با حضور خود من ارتباط گرفته شد من متوسط چهار پایه ای بود که دو پایه جلو آن هنگام ارتباط (باصطلاح) بلند میشد . آنها می گفتند با میزهای آهنی نیز می توان تماس گرفت ، و معتقد بودند نوشته های یکی از مجلات تهران (اطلاعات هفتگی) که شرایط خاصی برای این موضوع در نظر گرفته بی اساس است و حتی خود نویسنده آن سلسله مقالات که این بحث را در میان عده زیادی رایج ساخته اطلاعات عملی فراوانی در این زمینه ندارد ، بلکه اطلاعات او بیشتر جنبه تئوریک و علمی دارد و اقتباس و ترجمه از نوشته های خارجی است . بعضی از افرادی را که من با آنها صحبت نمودم خود را از آن نویسنده وارد تر می دانستند .

۴ - اداره کنندگان این جلسات معتقدند مسئله ارتباط با ارواح هیچگونه ریاضت و آمادگی و تمرین و تعلیمات قبلی لازم ندارد ، و نیازمند به نیروی مرموزی است که در وجود خود انسان می باشد ، این نیرو در بعضی شدید ، و در بعضی ضعیف است ، و لذا همه موفق به ارتباط گرفتن نمی شوند ، بعکس عده ای بقدری قوی هستند که با کمال سهولت ارتباط میگیرند .

۵ - اداره کنندگان این جلسات هر کدام با ارواحی تماس می گیرند ، و در این میان از روح بوعلی سینا و آیه الله بروجردی گرفته تا ارواح بستگان خود و گاهی کشیهای مسیحی و بت پرستان چینی و حتی «شمر» ؛ با همه آنها تماس برقرار میسازند ، و پاسخها و پیامهایی دریافت می دارند که بعضی جالب و بعضی مضحک است .

مثلاً یکی از این آقایان اظهار میداشت که يك وقت با میز مشغول ارتباط با ارواح بودیم که دیدم روحی خود را «شمر» معرفی کرد ، سؤال کردیم همان شمر قاتل امام حسین (ع) ؟ میز بعلا مت قبول حرکت کرد . پرسیدیم در چه حال هستی ، با همان روش حرفی پاسخ داد : حالم خیلی خوب است ! گفتیم چطور ؟ جواب داد : محمد (ص) از من گذشت کرد ! (در حالی که با بعضی ارواح ارتباط برقرار میسازند و میگویند می سوزیم و ناراحتیم و مسلماً آنها از شمر بر مراتب بهتر بوده اند... بگذریم)

۶- (دقت کنید) اکثریت قریب با اتفاق شرکت کنندگان در این جلسات معتقدند که میز بر اثر عوامل مرموزی حرکت میکند و دست افراد در گردش آن دخالت ندارد ، حتی گاهی حرکت آن بقدری شدید میشود که حضار را بو حشت می اندازد ، اما این عامل مرموز امواج خاصی در وجود مدیومهاست و با ارواحند ؟ در میان آنها اختلاف نظر است ، یکی از کسانی که در آغاز استاد این جلسات و از طرفداران پرو باقرص آن بوده و اخیراً از عقیده خود برگشته بود معتقد بود هر چه هست در وجود خود انسان است و عوامل مرموزی در درون او می باشد ، ولی

عده دیگری ارواح را منحصراً عامل حرکت میز می شناختند.

(نگارنده عقیده خود را درباره حرکت میز بعداً خواهم گفت)

۷ - (بازهم دقت کنید) شرکت کنندگان و اداره کنندگان این جلسات عموماً معتقدند

که پاسخها و پیامهایی که از ارواح می گیرند همیشه صحیح نیست ، گاهی چنان تطبیق میکنند و صحیح از آب درمی آید که همه را در شگفتی فرومی برد ، ولی بسیار اتفاق افتاده که جوابها کاملاً نادرست و برخلاف واقع بوده است .

همین امر سبب اختلاف نظر و گفتگو در میان آنها گردیده ، بعضی معتقدند : اینها - آن چنان که خود را معرفی میکنند - ارواح پاک نیستند بلکه ارواح شریره یا موجودات ماورای طبیعی پست تری می باشند که همیشه مقید به راست گفتن نیستند ! و با اطلاعات آنها ناقص و محدود است ، بعضی هم شاید این موارد را حمل بر عدم ارتباط صحیح می کنند ، عده ای هم در برابر این سؤال که چرا پیامها همیشه صحیح نیست اظهار بی اطلاعی مینمایند .

۸ - پاسخها و پیامهایی که اظهار میدارند از ارواح دریافت داشته اند غالباً جنبه کلی و عمومی دارد و بر هر مطلبی قابل تطبیق است مثلاً این کار به نتیجه نمی رسد - موفق خواهید شد - روح پدر شما از شما راضی است - فلان کار خیر را انجام دهید و امثال اینها ، نمونه ای از پیام ارواح است ، ولی بعضی از اداره کنندگان این جلسات اظهار میدارند پیامهای خصوصی و نشانه هایی که کسی از آن باخبر نبوده نیز از ارواح دریافت داشته اند .

۹ - اداره کنندگان این جلسات معتقدند که مسئله ارتباط با ارواح بسیاری از افراد غیر معتقد یا الاابالی را معتقد و مقید به مبانی اخلاقی و مذهبی ساخته و در طرز رفتار آنها اثر عمیق و بارزی گذاشته است و آنها را اصلاح نموده .

اما بعضی هم معتقد بودند این موضوع اکنون در آن شهر بصورت بدی در آمده و سبب شده عده ای از این طریق و بوسیله حرکت میز تهمتهای ناروایی به مخالفان خود ببندند ، حتی مدعی پیامهای درباره ناراحتی ارواح گذشتگان مخالفان خود شوند و از این رهگذر کینه ورزی و تصفیه حساب نمایند .

این بود مجموعه نتایجی که از گفتگو با افراد سرشناس جلسات ارتباط با ارواح در آن

شهرستان گرفتم .

و اما مشاهدات خود من ... برای اینکه بحث طولانی نشود با اجازه شما این مشاهدات جالب

را به شماره آینده موکول میکنم .